



مختلفی از موفقیت در تقویت فعالیت‌های اقتصادی، سرمایه‌سیاسی قابل توجهی برای دولت‌های آفریقایی ایجاد کرده است. پایگاه‌سازی برای کشورهایمانند جیبوتی نیز سودآور بوده است، جایی که طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، تخمین زده می‌شود که ۰٫۱ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۰ را به خود اختصاص می‌دهد. علاوه بر این اماگوئله، رئیس‌جمهور جیبوتی معتقد است چشم‌اندازی از تبدیل جیبوتی به سنگاپور بعدی دارد. برای اینکه این اتفاق بیفتد، کشور به نیروی کار بزرگ و آموزش دیده نیاز دارد، درست مانند چین. برای چینی‌ها، جیبوتی فرصتی آسان برای افزایش حضور اقتصادی و سیاسی خود در منطقه ارائه می‌دهد. خط‌راه آهن آدیس‌آبابا-جیبوتی از پایتخت اتیوپی تا جیبوتی امتداد دارد. خط ریلی ساخت چین مردم و کالاها را بین دو کشور جابه‌جا می‌کند و جایگزینی مدرن برای مسیرهای دوران استعمار ساخته شده توسط فرانسوی‌ها است. چین جیبوتی را دروازه‌ای به قطب اقتصادی اتیوپی و مهمتر از آن بهبود صادرات نفت و تجارت از سودان جنوبی می‌داند. ساخت پروژه‌های زیرساختی بزرگ و گران‌قیمت در چهار بخش اصلی (راه، راه‌آهن، انرژی و ارتباطات) برای چین مشکل بزرگی نیست، زیرا به این معنی است که آن‌ها می‌توانند تجارت سودآور ۲۰۰ میلیارد دلاری چین در آفریقا را افزایش دهند.

سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی چین دسترسی این کشور به نفت را بهبود می‌بخشد که حدود ۶۲ درصد از کل واردات نفت خام این کشور را تشکیل می‌دهد. با چنین سرمایه‌گذاری سنگینی، چین یک نیروی نظامی ۲۰۰ نفره برای حفاظت از منافع خود در سراسر منطقه مستقر می‌کند و فعالانه هرگونه مخالفت احتمالی در جیبوتی را با تأمین مالی ۴۰ درصد از پروژه‌های زیربنایی بزرگ این کشور مدیریت کرده است. این بدان معناست که علاوه بر ۳۰ میلیون دلار که سالانه برای پایگاه خود می‌پردازند، بانک‌ها و شرکت‌های ساختمانی چینی ۱۴٫۴ میلیارد دلار دیگر از پروژه‌ها را در این کشور تأمین مالی می‌کنند.

به گفته دولت جیبوتی، داشتن چنین شریکی تنها می‌تواند به معنای چشم‌انداز اقتصادی خوب برای مردم آن باشد. چین با ساخت خط لوله آب از اتیوپی به رفع کمبود آب مزمن این کشور علاقه جدی نشان داد و همچنین در ساخت بزرگترین منطقه تجارت آزاد در آفریقا با ایجاد ۱۵۰۰۰ شغل برای جمعیت محلی کمک کرد. آنها در حال حاضر در حال ساخت نیروگاه‌های زمین‌گرمایی برای رفع کمبود برق در کشور و همچنین توسعه دو فرودگاه جدید هستند. چین در حال بازسازی جیبوتی از پایه است.

با توجه به هدف استراتژیک چین، توازن قدرت‌های خارجی در خدمت منافع آنهاست. به نظر می‌رسد که در جیبوتی یک طناب‌کشی جدید بین چین و آمریکا رخ خواهد داد و نفوذ اقتصادی چین در جیبوتی احتمالاً عواقب زیانباری برای سایر قدرت‌های

نظامی خواهد داشت. با چند قطبی شدن جهان، جیبوتی به زمین بازی کشورهای تبدیل شده است که نظم جهانی را شکل می‌دهند.

با این حال، پایگاه‌های نظامی می‌تواند برای دولت‌های آفریقایی که میزبان آن‌ها هستند نیز یک مسئولیت سیاسی داشته باشد. مردم آفریقا، رهبران سیاسی و موسسات معمولاً به دلایلی در برابر پایگاه‌های خارجی محتاط هستند، چرا که ارتش خارجی ممکن است دستور کار داخلی یا حاکمیت دولت میزبان را تضعیف کند.

رویکرد سراسر آفریقا در مورد ایجاد پایگاه‌های خارجی به طور فزاینده‌ای مبهم است. یک تصمیم‌گیری در شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۱۶ به کشورها هشدار داد که در مورد اجاره پایگاه‌های خارجی احتیاط کنند، و این دیدگاه از آن زمان، با توجه به بادهای متلاطم ژئوپلیتیکی که در بخش‌هایی از منطقه در حال وزیدن است، شدت یافته است. چین بدون شک نسبت به این تحولات حساس است و مانند سایرین نسبت به ماهیت ناپایدار این قراردادهای مراقب خواهد بود.

← چین چه فکری در سر دارد؟

آنچه محتمل تر است این است که چین به دنبال گسترش زیرساخت‌های بندرهای غیرنظامی موجود و ایجاد تأسیسات دو منظوره در بنداری است که در آنها سرمایه‌گذاری کرده است. مدل‌های دو منظوره، دسترسی به بندار تجاری و تعدادی از ویژگی‌های گزینشی نظامی را تلفیق می‌کنند تا نشانگان نظامی سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک چین را کم‌رنگ کنند. به گفته چینی‌ها، ۱۰۰ بندر آفریقایی یا ساخته شده یا تأمین مالی شده و یا در حال حاضر توسط کشتیرانی دولتی چین اداره می‌شود.

در واقع، به نظر می‌رسد که سفر وانگ به آفریقا برای ایجاد یک توافق پایگاه نظامی جدید نبوده باشد و بیشتر بر نشان دادن تعهد مداوم چین به تعاملات سطح بالا در این قاره اشاره دارد. با این حال، دلایل خوبی برای این باور وجود دارد که وانگ فرصتی برای گفتگو در مورد منافع امنیتی چین در زمان حضور در آفریقا داشته است. این ممکن است شامل خطوط کشتیرانی از طریق دریای مدیترانه و کانال سوئز با تونس و مصر، و منافع ماهیگیری و دزدی دریایی در سواحل توگو و ساحل عاج باشد. همچنین می‌توانست شامل بحث در مورد ابتکار امنیت جهانی چین به طور گسترده‌تر باشد.

در هر صورت، چین اکنون با آفریقای چندقطبی و قاطع روبه‌رو است که قدرت‌های خارجی را تحت فشار قرار می‌دهد تا منافع امنیتی خود را تحت عنوان امنیت برای چه کسی و از چه کسی روشن کنند. چین احتمالاً به تلاش برای حفظ یا پیشبرد منافع خود ادامه خواهد داد، اما به همان اندازه‌ای که به سیاست‌های محلی و روابط خاص آن احترام می‌گذارد، دست بسته خواهد بود.

